

به جای هموار کردن مسیر عادی سازی روابط با اسرائیل، یک توافق هسته‌ای میان عربستان و واشنگتن ممکن است کلید پرداختن به ظرفیت هسته‌ای نظامی ایران و نگرانی‌های گسترده‌تر درباره اشاعه تسلیحات کشتار همگانی در منطقه باشد. سایمون هندرسون پژوهشگر حوزه کشورهای خلیج فارس مدعی شد: در جریان بازدید از عربستان سعودی در ۱۳ آوریل، سفری که تا حدی به عنوان آماده سازی برای سفر برنامه‌ریزی شده دونالد ترامپ در اواسط ماه مه به منطقه خلیج فارس تلقی می‌شد کریس رایت، وزیر انرژی ایالات متحده، از یک توافق اولیه برای همکاری در توسعه صنعت هسته‌ای غیرنظامی با عربستان خبر داد. او خاطرنشان کرد که دو کشور در «مسیر» دستیابی به چنین توافقی هستند و جزئیات بیشتر «در اواخر سال» ارائه خواهد شد. رایت که ظاهرانگران خطر بالقوه اشاعه هسته‌ای عربستان سعودی بود، همچنین اظهار داشت: «قطعا یک توافق ۱۲۳ وجود خواهد داشت. « این اشاره‌ای به بخش همام قانون انرژی اتمی ایالات متحده در سال ۱۹۵۴ بود که تصریح می‌کند قبل از اینکه آژانس‌ها با شرکت‌های آمریکایی بتوانند به یک کشور در رانندازی صنعت هسته‌ای غیرنظامی کمک کنند، باید تضمین‌های رسمی برای جلوگیری از اشاعه هسته‌ای در نظر گرفته شود. نسخه «استاندارد» توافق موسوم به «۱۲۳» صریحاً غنی سازی با بازفرآوری مواد هسته‌ای را ممنوع می‌کند، محدودیتی که فقط امارات متحده عربی و تایوان در گذشته پذیرفته‌اند. در عوض، کشورها باید موافقت کنند که به جای تولید سوخت راکتور خود، آن را وارد کنند و همچنین اجازه بازرسی‌های بین‌المللی را بدهند. سخنان رایت که در همان آخر هفته‌ای بیان شد که مذاکره‌کنندگان آمریکایی و ایرانی در عمان برای کاهش تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای تهران دیدار کردند و احتمالاً یکی از عناصر دیپلماسی گسترده‌تر واشنگتن بود. در نظر گرفتن این موضوعات تعجب‌آور نخواهد بود. تهران در حال غنی سازی اورانیوم بسیار بیش از حد مورد نیاز برای یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی است و مقامات آمریکایی بدون شک هشدار سال ۲۰۱۸ محمد بن سلمان ولیعهد سعودی را به یاد می‌آورند که اگر ایران بمب هسته‌ای تولید کند، ما در اسرع وقت از آن پیروی خواهیم کرد. اعتقاد بر این است که عربستان حداقل یک برنامه غنی سازی نوپا دارد که از قضا بر فناوری سانتریفیوژی تکیه می‌کند. علاوه بر این، گزارش شده است که فناوری هسته‌ای آمریکایی از خواسته‌های عربستان سعودی در مذاکرات قبلی درباره عادی سازی روابط با اسرائیل، به همراه تضمین‌های امنیتی ایالات متحده و دسترسی به تجهیزات و فناوری نظامی درجه یک بوده است. با این حال، این بسته سیاسی از سال ۲۰۲۳ به دلیل جنگ غزه به تعویق افتاده است. در آینده، مسیر همکاری هسته‌ای میان ایالات متحده و عربستان سعودی با چالش‌های خاص خود همراه خواهد بود که فراتر از جنگ غزه و مذاکرات با ایران است. با وجود گستردگی فناوری هسته‌ای آمریکا، این کشور دیگر در فروش نیروگاه‌های هسته‌ای غیرنظامی نقش فعالی ندارد و کارخانه اصلی سانتریفیوژ داخلی آن تحت مدیریت یک کنسرسیوم اروپایی قرار دارد. از سوی دیگر، مهندسان آمریکایی مسئول راکتورهای مودلار کوچک (SMRs) هستند، فناوری پیشرفته‌ای که می‌تواند در نمک زدایی و تولید برق در خاورمیانه مؤثر باشد. با این حال، اولین سری از این راکتورها هنوز در انتظار دریافت مجوزهای لازم بوده و احتمالاً تا اواخر دهه ۲۰۳۰ یا اوایل دهه ۲۰۴۰ آماده بهره‌برداری نخواهند شد. در حال حاضر، تنها راکتورهای مودلار کوچک عملیاتی جهان در روسیه و چین قرار دارند. مقامات آمریکایی به خوبی آگاه‌اند که عربستان سعودی ممکن است در صورت امضای توافقنامه «۱۲۳» بر حفظ حق غنی سازی اورانیوم خود پافشاری کند. در سال ۲۰۰۹، واشنگتن این توافقنامه را با امارات متحده عربی منعقد کرد و خرید راکتورهای کره‌ای جنوبی، که شامل فناوری آمریکایی بود، توسط امارات تأیید شد. در این توافق، بندی وجود داشت که به ابوظبی امکان می‌داد اورانیوم را غنی سازی کند، مشروط بر اینکه کشور دیگری در منطقه نیز چنین حقی دریافت کند. این توافق تصریح می‌کند که زمینه‌های همکاری و شرایط توافق شده نباید کمتر از امتیازاتی باشد که ممکن است به سایر کشورهای غیرهسته‌ای منطقه به همکاری‌های صلح آمیز هسته‌ای اعطا شود. علاوه بر این، از نظر تئوری، هر کشوری که تحت حمایت فناوری و کمک‌های ایالات متحده قرار گیرد، ممکن است در آینده از توافقنامه «۱۲۳» خارج شود.

محسن پاک‌آیین در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سفر پزشکیان به آذربایجان فرصتی برای تقویت روابط دو کشور است



گسترش روابط ایران و آذربایجان در شرایط فعلی منطقه، یک ضرورت است



آرمان ملی: در آستانه سفر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، به جمهوری آذربایجان، تحلیل‌گران از امکان گشایش در روابطی سخن می‌گویند که طی سال‌های اخیر تحت‌تأثیر سوءتفاهم‌های سیاسی، مداخلات بازیگران فرامنطقه‌ای و تغییرات ژئوپلیتیک در قفقاز جنوبی، با چالش‌هایی جدی مواجه شده است. مناسبات تهران - باکو، که از پیوندهای تاریخی، مذهبی و جغرافیایی برخوردار است، به‌رغم ظرفیت‌های گسترده همکاری، بارها تحت‌الشعاع مسائل کم‌اهمیت متقابل قرار گرفته است. این در حالی است که به اعتقاد کارشناسان ما در روابط با آذربایجان نه دشمنیم و نه رقیب؛ همسایگی، منافع مشترک و تهدیدات مشابه، ما را به گفت‌وگوی مستمر و همکاری راهبردی ناگزیر می‌کند. لذا ایران باید از فرصت تغییر دولت در تهران و تمایل باکو به بهبود مناسبات بهره بگیرد تا زمینه‌ای برای کاهش نفوذ مخرب قدرت‌های ثالث در روابط دو کشور فراهم شود. تهران و باکو می‌توانند از طریق گفت‌وگوهای منظم سیاسی، تقویت

همکاری‌های اقتصادی، و فعال سازی دیپلماسی فرهنگی، به جایگاهی باثبات‌تر و سازنده‌تر در قفقاز دست یابند. سفر پزشکیان به باکو، اگر با اراده‌ای معطوف به دیپلماسی فعال همراه باشد، که هست، می‌تواند گام نخست در مسیر بازسازی روابط استراتژیک میان ایران و جمهوری آذربایجان باشد. در طول سال‌های اخیر البته تلاش‌های دو جانبه برای افزایش همکاری‌ها وجود داشته است و به نظر می‌رسد با توجه به سفر پزشکیان به آذربایجان شاهد افزایش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خواهیم بود. اگر دو طرف بتوانند بر اساس حسن همجواری روابط خود را گسترش دهند، بدون شک شاهد توسعه روابط اقتصادی بین دو کشور نیز خواهیم بود. «آرمان ملی» در این ارتباط با محسن پاک‌آیین، سفیر سابق ایران در جمهوری آذربایجان، گفت‌وگو کرده است. پاک‌آیین سفر آقای پزشکیان به آذربایجان را فرصتی مناسب برای توسعه روابط دو جانبه ارزیابی کرده است.

ایران و آذربایجان به‌ویژه در حوزه انرژی، به دلیل هم‌مرز بودن در خزر، می‌توانند همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند. دو کشور می‌توانند از منابع انرژی دریای خزر به طور مشترک بهره‌برداری کنند. برای مثال، در زمینه توسعه میادین نفتی و گازی مشترک، هر دو کشور می‌توانند از فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری مشترک بهره‌برداری کنند. علاوه بر این، ایران و آذربایجان می‌توانند در زمینه‌های نوآوری در صنعت انرژی، به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، با یکدیگر همکاری داشته باشند. این همکاری‌ها در راستای اهداف بلندمدت هر دو کشور برای بهبود بهره‌وری انرژی، می‌تواند به تقویت همکاری‌ها کمک کند. همکاری در زمینه‌های علمی و فناوری‌های نوین می‌تواند علاوه بر تأمین انرژی، فرصت‌های جدیدی برای گسترش روابط اقتصادی و تجاری ایجاد کند.

آیا مانعی برای توسعه روابط ایران و آذربایجان خارج از عرف‌های بین‌المللی وجود دارد؟
به طور کلی، موانع توسعه روابط ایران و آذربایجان در درجه اول سیاسی هستند و در درجه دوم، مداخلات خارجی، به‌ویژه از سوی رژیم صهیونیستی و برخی کشورها که منافع خاص خود را در منطقه دنبال می‌کنند، می‌تواند باعث اختلال در روند توسعه روابط دو کشور شود. بازیگران خارجی ممکن است تلاش کنند که در روابط ایران و آذربایجان اختلال ایجاد کرده و در پی این باشد که از نزدیکی ایران و آذربایجان جلوگیری کنند. البته هم ایران و هم آذربایجان به خوبی می‌دانند که این مداخلات، هیچ کمکی به منافع ملی آنها نخواهد کرد. بنابراین، دو کشور ایران و آذربایجان در مسیر توسعه روابط، باید هوشیار بوده و هوشمندانه عمل کنند تا مداخلات خارجی نتواند تأثیرات منفی خود را بر روند همکاری دو کشور بگذارد.

با این حساب که توسعه روابط دو کشور عملاً یک دشمن قسم خورده دارد، به نظر شما سفر رئیس‌جمهوری می‌تواند به موفقیت‌هایی برسد یا خیر؟
با توجه به شرایط موجود، این سفر قطعاً فرصتی است که می‌تواند در ادامه تقویت روابط دو جانبه و تحولات منطقه‌ای مؤثر باشد. اهمیت سفر رئیس‌جمهور به آذربایجان در این است که آنها می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، روابط دو جانبه را در راستای منافع مشترک توسعه دهند. در شرایطی که دو کشور متوجه اهمیت استراتژیک یکدیگر شده‌اند، این سفر می‌تواند زمینه‌ساز تقویت همکاری‌ها و کاهش مداخلات خارجی در منطقه باشد. از این رو، به نظر می‌رسد که این سفر می‌تواند موفقیت‌های چشم‌گیری برای ایران و آذربایجان به ارمغان بیاورد و گام‌های بلندی برای تحقق منافع مشترک هر دو کشور بردارد.

جمهوری اسلامی ایران با مواضع قاطع و حمایت از تمامیت ارضی دو کشور، در این ایجاد صلح استوار در منطقه نقش آفرینی کرده و در این مقطع رئیس‌جمهور به آذربایجان سفر می‌کند

یکی از نکات برجسته در روابط ایران و آذربایجان، تعاملات تجاری، فرهنگی و حتی امنیتی بوده که در سال‌های اخیر، ظرفیت‌های اقتصادی هر دو کشور در بخش انرژی و حمل‌ونقل مورد توجه قرار گرفته است

سمت تحولات مثبت حرکت می‌کند و نویدبخش ایجاد امنیت در منطقه است. این امنیت به‌طور طبیعی همکاری‌های اقتصادی را همراه خواهد داشت، چراکه سرمایه به جایی می‌رود که امنیت وجود داشته باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران با مواضع قاطع و حمایت از تمامیت ارضی دو کشور، در این ایجاد صلح استوار در منطقه نقش آفرینی کرده و در این مقطع رئیس‌جمهور به آذربایجان سفر می‌کند. این سفر از این منظر اهمیت زیادی دارد و می‌تواند از یکسو، روابط دو جانبه ایران و آذربایجان را مستحکم‌تر کند و از سوی دیگر، زمینه را برای دیگر کشورهای منطقه فراهم آورد که روابط خود را در چارچوبی سازنده‌تر و بر اساس منافع مشترک توسعه دهند. تحولات اخیر در منطقه قفقاز جنوبی، به‌ویژه کاهش تنش‌ها و توافقات به‌دست‌آمده میان آذربایجان و ارمنستان، این فرصت را فراهم آورده که ایران نیز به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در منطقه، وارد فاز جدیدی از دیپلماسی فعال شود.

توسعه روابط بین آذربایجان و ایران چقدر برای آذربایجان و حاکمیت این کشور اهمیت دارد؟
توسعه روابط با ایران برای آذربایجان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این نکته به‌ویژه از منظر اقتصادی قابل توجه است. ایران برای آنها به عنوان یک پل ارتباطی مهم بین قفقاز، اروپا و آسیاست. در سال‌های اخیر، به‌ویژه بعد از جنگ قره‌باغ، آذربایجان نیاز به توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل دارد و ایران می‌تواند یک شریک راهبردی بسیار مهم در این زمینه باشد. ایران برای آذربایجان محلی برای دستیابی به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان است و خوشبختانه با اتصال بندر کاسپین به بندر انزلی از طریق مسیر ریلی به بندرعباس، فرصت بسیار خوبی برای کشورهای حاشیه دریای خزر از جمله جمهوری آذربایجان فراهم شده تا بتوانند از این فرصت ترانزیتی استفاده کنند. تکمیل خط آهن انزلی به آستارا که حلقه مفقودی کریدور شمال به جنوب است با مشارکت دو کشور و همچنین مشارکت روسیه، که تمایل به سرمایه‌گذاری در این مسیر دارد، می‌تواند نقش دو کشور در توسعه حمل‌ونقل را افزایش دهد. جمهوری آذربایجان مسیر دستیابی ایران به دریای سیاه است و همچنین مسیر دسترسی ایران به روسیه از طریق داغستان. این موارد در توسعه حمل‌ونقل بسیار مهم است و می‌تواند تبادل تجاری و اقتصادی را افزایش دهد. لذا این هم‌پیمانی و گسترش روابط بین ایران و آذربایجان برای هر دو کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است و به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه چندان دور، روابط اقتصادی و تجاری این دو کشور با جهش‌های قابل‌توجهی روبه‌رو خواهد شد.

دو کشور در زمینه بهره‌برداری از انرژی‌های مشترک تا چه اندازه می‌تواند با یکدیگر همکاری کنند؟
ایران و آذربایجان به‌ویژه در حوزه انرژی، به دلیل هم‌مرز بودن در خزر، می‌توانند همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشند. دو کشور می‌توانند از منابع انرژی دریای خزر به طور مشترک بهره‌برداری کنند. برای مثال، در زمینه توسعه میادین نفتی و گازی مشترک، هر دو کشور می‌توانند از فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری مشترک بهره‌برداری کنند. علاوه بر این، ایران و آذربایجان می‌توانند در زمینه‌های نوآوری در صنعت انرژی، به‌ویژه انرژی‌های تجدیدپذیر، با یکدیگر همکاری داشته باشند. این همکاری‌ها در راستای اهداف بلندمدت هر دو کشور برای بهبود بهره‌وری انرژی، می‌تواند به تقویت همکاری‌ها کمک کند. همکاری در زمینه‌های علمی و فناوری‌های نوین می‌تواند علاوه بر تأمین انرژی، فرصت‌های جدیدی برای گسترش روابط اقتصادی و تجاری ایجاد کند.

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور ایران به جمهوری آذربایجان سفر خواهد داشت. به‌طور کلی روابط ایران و آذربایجان توسعه این روابط با توجه به سفر عالی‌ترین مقام اجرایی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این سفر از ابعاد مختلف حائز اهمیت است. این سفر نشان‌دهنده اراده عمیق جمهوری اسلامی ایران برای تقویت روابط با کشورهای همسایه در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه اقتصادی است. در گذشته، یکی از نکات برجسته در روابط ایران و آذربایجان، تعاملات تجاری، فرهنگی و حتی امنیتی بوده که در سال‌های اخیر، ظرفیت‌های اقتصادی هر دو کشور به‌ویژه در بخش انرژی و حمل‌ونقل، به شدت مورد توجه قرار گرفته است. این سفر از چند جهت اهمیت دارد. اول اینکه خوشبختانه بعد از اختلاف نظرهایی که بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان به علت حمله یک فرد به انگیزه‌های شخصی به سفارت آذربایجان رخ داد، هر دو طرف توانستند با هوشمندی و اعتقاد به تقویت مناسبات، این موضوع را مدیریت کنند و سفارت جمهوری آذربایجان در ایران مجدداً فعالیت خود را آغاز کرد. همچنین سفر مقامات ارشد دو کشور ادامه یافت. در چند هفته اخیر نیز کمیسیون مشترک روابط ایران و آذربایجان با حضور خانم فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، و رئیس‌ایران کمیسیون اقتصادی دو کشور برگزار شد و قراردادهای بسیار خوبی بین دو طرف امضا شد که این قراردادها در سفر دکتر پزشکیان مورد پیگیری قرار خواهد گرفت و نشان‌دهنده این است که روابط دو کشور بر مبنای همکاری‌های بلندمدت در حال شکل‌گیری است. لذا سفر آقای پزشکیان در شرایطی صورت می‌گیرد که وضعیت دو طرف از نظر توسعه روابط مطلوب است. روابط دو کشور بر اساس همین پیشرفت‌های مشترک، به‌ویژه در زمینه انرژی، حمل‌ونقل، و فناوری‌های نوین، در مسیر تقویت قرار گرفته است. این سفر به‌عنوان یک نقطه عطف در روابط دو جانبه ایران و آذربایجان می‌تواند فرصتی مغتنم برای گسترش همکاری‌ها و نزدیک‌تر شدن دو کشور در مسائل مختلف از جمله مسائل اقتصادی، فرهنگی و علمی باشد.

این سفر بعد از تفاهم و صلح بین آذربایجان و ارمنستان صورت گرفته است. در چنین شرایطی، این سفر از منظر منطقه‌ای چه میزان اهمیت دارد؟
همان‌طور که اشاره کردید، اخیراً وضعیت منطقه به‌ویژه بین آذربایجان و ارمنستان بهبود یافته است. این دو همسایه ایران با به رسمیت شناختن تمامیت ارضی مقابل، در مسیر یک موافقت‌نامه صلح دائمی قرار دارند. آزادی قره‌باغ، که یکی از مناقشات بزرگ در منطقه بود، گام بزرگی در ایجاد صلح و ثبات در قفقاز جنوبی است. این منطقه که در سال‌های گذشته شاهد تنش‌ها و درگیری‌های متعدد بود، اکنون به

دو کشور ایران و آذربایجان در مسیر توسعه روابط، باید هوشیار بوده و هوشمندانه عمل کنند تا مداخلات خارجی نتواند تأثیرات منفی خود را بر روند همکاری دو کشور بگذارد

موافقان و مخالفان توافق چه کسانی هستند؟

دوئل در کاخ سفید

در آستانه آغاز دور سوم مذاکرات غیرمستقیم عراقچی - ویتکاف، صداهاى متناقض از داخل کاخ سفید همچنان به گوش می‌رسد. روز سه‌شنبه ۲۲ آوریل ۲۰۲۵ بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در تماس تلفنی با دونالد ترامپ سعی کرد تا بار دیگر بر روی روند مذاکرات ایران - آمریکا ایجاد اختلال کرده و آن را از مسیر دست خود منحرف کند. ترامپ پس از تماس تلفنی با «بی بی» مدعی شد که آمریکا و اسرائیل همچنان در یک جبهه قرار دارند و او از این موضوع خرسند است! برخی تحلیلگران خوشبین به روند مذاکرات اتمی معتقدند ساکن جدید کاخ سفید با آگاهی از محدودیت‌های دولت و در عین حال نفوذ فزاینده لابی اسرائیل در کنگره معتقدند که ترامپ سعی دارد تا اشتباه دوران اوپاما را مرتکب نشده و زمینه برانگیخته شدن واکنش تند صهیونیست‌ها را در خصوص هرگونه توافق احتمالی با تهران را ایجاد نکند. در دوران برجرام لابی اسرائیل با استفاده از حربه‌هایی همچون استفاده از جناح جمهوریخواه برای ایجاد مانع بر سر توافق یا راه اندازی کمپین‌های تبلیغاتی در رسانه‌ها سعی داشت تا توافق تهران - واشنگتن را در دوران اوپاما دستاوردی فاجعه‌بار نشان دهد. امروز با حاکم شدن نزدیک‌ترین جناح و چهره‌های هوادار اسرائیل در کاخ سفید، نتانیاهو قصد دارد تا روایی دیرینه خود یعنی حمله نظامی به ایران و تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه را دنبال کند. مایک والترز مشاور امنیت ملی کاخ سفید، مارکو روبریو وزیر خارجه و اتاندرهای هگرت وزیر دفاع آمریکا در زمین نتانیاهو بازی کرده و خواستار اتخاذ سیاست سخت‌گیرانه علیه ایران هستند. در سوی مقابل جی. دی ونس معاون اول ترامپ، استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا در امور ایران و خاتم‌تولسی‌گبردر رئیس اداره‌کننده اطلاعات ملی آمریکا مخالف هرگونه اقدام نظامی علیه ایران هستند. این مخالفت ناشی از نگاه «جفرسونی» افراد یاد شده در خصوص مسئله سیاست خارجی و نگاه انزواگرایانه آنها در خصوص اولویت‌های امنیت ملی آمریکا است. مخالفان جنگ با ایران حقیقتاً به شعار «اول آمریکا» و پروژه «مگا» باور دارند و بر همین اساس نمی‌خواهند با تکرار اشتباهات دولت‌های قبلی آمریکا وارد جنگی بی‌پایان در خاورمیانه شوند.

سناریوهای آمریکا

در دورانی که آمریکای ترامپ قصد دارد تا نظم مبنی بر سازمان ملل و نهادهای برتون وودز را نابود کند، هرگونه ماجراجویی جدید در خاورمیانه به معنای بار شدن هزینه سنگین دیگری بر اقتصاد ملی آمریکا و سقوط بازارهای مالی این کشور است. تشدید تنش با ایران می‌تواند پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی برای «راز انرژی» به همراه داشته باشد. پیامدهایی غیرقابل پیش‌بینی جنگ ممکن اعضای اوپک را تحت تأثیر قرار دهد و حتی منابع آنها را از بازار حذف کند! در صورت تسلط چهره‌هایی مانند ویتکاف، ونس و گبردر در دولت ترامپ، احتمال احیای توافق هسته‌ای با ایران افزایش می‌یابد. این گروه به دیپلماسی و مذاکره تمایل دارند و ممکن است از بازگشت به برجام یا توافقی جدید حمایت کنند. آنها معتقدند که توافق می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود و ثبات منطقه‌ای را تقویت کند. در این سناریو آمریکا ممکن است تحریم‌ها را به تدریج کاهش دهد، به شرطی که ایران به تعهدات هسته‌ای خود پایبند بماند. اما چالش‌هایی مانند فشار کنگره، مخالفت تل‌آویو- ریاض و بی‌اعتمادی ایران به آمریکایی‌توانند مذاکرات را پیچیده کند. ایران نیز ممکن است شروطی مانند تضمین اقتصادی و لغو کامل تحریم‌ها مطرح کند. موفقیت این سناریو به توانایی دولت ترامپ در مدیریت مخالفان داخلی و خارجی و ایجاد اعتماد با ایران بستگی دارد. اگر مذاکرات به نتیجه برسد می‌تواند به کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بهبود روابط اقتصادی ایران با جهان منجر شود. اگر والترز و روبریو در دولت ترامپ نفوذ بیشتری داشته باشند، سیاست آمریکا به سمت تشدید فشار بر ایران متمایل خواهد شد. این گروه معتقدند که ایران با فشار حداکثری و تحریم‌های شدیدتر قابل مهار است و نباید به توافق هسته‌ای اعتماد کرد. در این سناریو ایالات متحده ممکن است تحریم‌های جدیدی اعمال کند، فشار نظامی در منطقه را افزایش دهد و حتی گزینه‌های نظامی را روی میز نگه دارد. این رویکرد می‌تواند ایران را به سمت سخت‌گیری بیشتر در برنامه هسته‌ای با اقدامات تلافی‌جویانه مانند افزایش غنی‌سازی اورانیوم سوق دهد. همچنین احتمال درگیری‌های نیابتی در منطقه، مانند تنش با گروه‌های مورد حمایت ایران بالا می‌رود. این سناریو خطری نیابتی منطقه‌ای را افزایش می‌دهد و می‌تواند اقتصاد ایران را تحت فشار شدیدتری قرار دهد، اما در سوی مقابل ممکن است حمایت اسرائیل و برخی کشورهای عربی را برای آمریکا به همراه داشته باشد. با این حال، فقدان دیپلماسی در این مسیر می‌تواند به بن‌بست منجر شود و حتی متحدان اروپایی آمریکا را از این سیاست دور کند. در سناریوی سوم تعادل بین دو گروه در دولت ترامپ به بن‌بست دیپلماتیک منجر می‌شود. ویتکاف، ونس و گبردر ممکن است برای مذاکره با ایران تلاش کنند، اما مخالفت والترز و روبریو مانع پیشرفت شود. در این حالت، آمریکا سیاستی میانه‌انداخت می‌کند: نه کاملاً به سمت توافق پیش می‌رود و نه فشار حداکثری را به طور کامل اعمال می‌کند. این بلاتکلیفی می‌تواند مذاکرات را متوقف کند و ایران را در وضعیت عدم اطمینان نگه دارد. تهران ممکن است به غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد، اما آستانه تسلیحاتی عبور نکند تا فشار بین‌المللی را مدیریت کند. این سناریو احتمالاً به تنش‌های مقطعی، مانند درگیری‌های محدود در خلیج فارس یا حملات سایبری، منجر می‌شود.